

آلبرت گلدمن

برخورد مارکسیستی در مورد حمله به ایران

نقش اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا هر یک از نقطه نظر ماهیت طبقاتی دولتهای خود بررسی می شود

۱۹۴۱ سپتامبر ۶

ترجمه : ژاله سهند

از میلیتنت، جلد ۷، شماره ۳۶، ۶ سپتامبر ۱۹۴۱، ص. چهار

توسط Einde O'Callaghan برای دایره المعارف **Trotskyism On-Line (ETOL)** رونویسی و علامت گذاری گردید.

برای برخی از افراد هر گونه خشونت نفرت انگیز است. خشونت ارباب بر علیه برده باید محکوم شود - و همچنین خشونت برده ای که تلاش می کند خود را از ارباب برهاند. هنگامی که امپریالیسم انگلیس از خشونت در هندوستان استفاده می کند تا میلیون ها انسان را تحت انقیاد قرار دهد، اخلاق گرایانی که ماورای درگیری اجتماعی در جامعه هستند اعتراض می نمایند. آنها همچنین اعتراض می نمایند اگر توده های هندی برای بیرون راندن حاکمان انگلیس از هند متوسل به زور شوند.

افرادی که بدین شیوه استدلال می کنند، بعضا دارای معیارهایی انتزاعی از خیر و شر هستند، معیاری که طبقات و مبارزات طبقاتی را نادیده می گیرد.

مارکسیست هرگز عملیات طبقات و ملل را نه از زاویه معیارهای اخلاقی انتزاعی بلکه از زاویه نیازهای طبقات و ملل برای دستیابی به آزادی خود ارزیابی می کند. آیا همه تهاجمات بد هستند؟ پاسخ مارکسیستی به آن سؤال منفی است. او پاسخ می دهد: چه کسی تهاجم را انجام می دهد و چه کسی مورد تهاجم قرار گرفته است. شرایط تهاجم چیست؛ آیا این منافع توده های انقلابی را به پیش می برد؟

به ایران اتحاد جماهیر شوروی حمله می کند و به ایران امپریالیسم انگلیس حمله می نماید. اخلاق گرایان طبقه متوسط که فکر می کنند هر تهاجمی، اهمیت ندارد توسط چه کسی یا بر علیه چه کسی یا تحت چه شرایطی، عملی امپریالیستی است، با عصبانیت صالح خود برخاسته، هر دو را محکوم می نمایند.

مارکسیست می گوید: اتحاد جماهیر شوروی یک دولت کارگری است، اگرچه یک دولت منحط است. برای هستیت خود علیه امپریالیسم آلمان می جنگد؛ متعهد است که هر اقدامی ضروری را برای دفاع از خود بکار ببندد مشروط بر اینکه با منافع انقلاب جهانی مغایرت نداشته باشد.

لنین و تروتسکی در پیرامون تهاجم

اتحاد جماهیر شوروی بیانیه ای را در ارتباط با حمله اش به ایران با تصدیق بر ماده ۶ پیمان اتحاد جماهیر شوروی یا ایران ۱۹۲۱، که این حق را می دهد که سربازان بتوانند در داخل ایران به منظور اتخاذ اقدامات نظامی لازم در هر زمانی که دولت ایران قادر نباشد از حمله یا حمله ای تهدید آمیز به اتحاد جماهیر شوروی از طریق ایران جلوگیری نماید، پیشروی نمایند، را صادر نموده است.

معاهده با ایران تحت رژیم لنین و تروتسکی برقرار گردید و حاکی از اتخاذ گرایشی است که رهبران انقلاب روسیه در مورد احتمال پیشروی نیروها به داخل سرزمینی که جزء اتحاد جماهیر شوروی نبود، داشته اند. به نفع دفاع از اتحاد جماهیر شوروی آنها در خواست نمودند و این حق را دریافت نمودند که نیروهای مسلح خود را به يك کشور همسایه بفرستند. این پیمان اتحاد جماهیر شوروی را ملزم به گرفتن اجازه از ایران قبل از اعزام سربازانش نمی نماید.

قابل برداشت است که لنین و تروتسکی حتی بدون اجازه، و حتی بدون یک معاهده، سربازان را اگر منافع اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب جهانی چنین عملی را مطالبه می نمود به داخل خاک همسایه گسیل می کردند.

این کاملاً درست است که امپریالیسم انگلیس دشمنی بود که دولت شوروی در زمان معاهده در نظر داشت، اما این واقعیت که در حال حاضر امپریالیسم آلمان دشمنی است که اتحاد جماهیر شوروی را تهدید می کند، ذره ای مغایرت ایجاد نمی نماید. و نه این واقعیت که، امپریالیست های انگلیس همزمان با انجام اینکار توسط اتحاد جماهیر شوروی به دلیل یک وضعیت نظامی ویژه دارند به ایران حمله می نمایند، از کمترین اهمیتی تا آنجاییکه به تعیین حق دولت شوروی برای اعزام نیروهای خود به داخل ایران مربوط می شود، برخوردار است. اما آیا ما دولت استالینیست را به دلیل حمله به

لهستان، فنلاند و کشورهای بالتیک محکوم نکردیم؟ بله، ما این کار را کردیم، اما فقط به این دلیل که تحت شرایطی خسارات وارد شده به اتحاد جماهیر شوروی، بدلیل زودده شدن همدردی میلیون ها نفر از مردم بعزت عمل تهاجم، بیشتر از هر مزایایی بود که می توانست از الحاق اجباری سرزمینهای مورد حمله حاصل گردد.

لنین و تروتسکی مجبور بودند مزایا و معایب تقبل انجام عملی به مانند حمله به کشوری دیگر را بسنجند. آنها برای کارگران جهان ضرورت چنین حمله ای را آشکار می نمودند. و مهم تر از همه، توده ها اعتماد کامل به انگیزه ها و وعده های آنان داشتند.

هیچ کس نمی تواند انکار کند که عمل استالین در حمله به ایران با سوء ظن زیاد مواجه نگردد. دلیلش هم این است که سیاستهایی که وی داشته و دنبال می کند، به طور موجه ای به انگیزه های او سوء ظن ایجاد نموده و افراد معدودی به وعده های او ایمان دارند.

تمام توضیحات و بهانه های وی برای حمله به لهستان و فنلاند سودی نداشت. برای توده های وسیعی آن حملات با تهاجمات نازی ها همسان به نظر می رسیدند. جنایات استالین دقیقاً از این تشکیل شده بود- او باعث گردید که اتحاد جماهیر شوروی در همان رده آلمان نازی قرار بگیرد.

اگرچه ما تروتسکیست ها می دانستیم که استالین بخشی از لهستان و کشورهای بالتیک و بخشی از فنلاند را به دلایل نظامی-استراتژیکی ضمیمه کرده است تا برای حمله علیه هیتلر آماده گردد، اما ما باز هم تهاجمات را محکوم کردیم چرا که از بین رفتن ایمان به اتحاد جماهیر شوروی توسط میلیونها نفر بسیار سنگین تر از مزایای نظامی احتمالی بود.

ما بیش از حد اطمینان نداریم که استالین به قول خود مبنی بر خروج ارتش سرخ از ایران وقتیکه ضرورت اشغال از بین برود، پایبند بماند. این چیزی است که باید در آینده حل و فصل گردد. در حال حاضر، تا آنجا که به اتحاد جماهیر شوروی مربوط می شود، کارگران و دهقانان با آگاهی طبقاتی، از جمله کارگران ایران، اجازه نخواهند داد که هیچ چیزی در دفاع از اتحاد جماهیر شوروی دخالت نماید.

The Marxist Attitude on Iran Invasion

The Soviet Role and the British Role Are Each Evaluated
from the Standpoint of the Class Character of Their States

(6 September 1941)

<https://www.marxists.org/history/etol/writers/goldman/1941/09/iran.htm>